

# نبرد

سرپای ایران موطن مقدس آزادیخواهان است

شیخ محمد خیابانی

## نشریه دفتر اطلاعاتی جنبش آزادی بخش ملی ایران

سال اول

خرداد ۱۳۰۰

شماره دوم

### همه باهم در مبارزه بادشمنان خلق چریکهای فدائی خلق اعلامیه

شهربانی کل کشور بدنبال حمله دلیرانه چریکهای فدائی به پاسگاه کلانتری قلمک تصرف یک قبضه مسلسل و آتش زدن مأمورین کلانتری و اعلامیه صادر نموده و عاجزانانه از مردم خواسته است که در ازای گرفتن جایزه نقدی یکمیلیون ریالی در دستگیری چریکهای کتک کننده . این نشان عجز پلیس است که امروز از مردم می کتک می خواهد که همیشه با مردم خسود را بر سر آنها فرو آورده است . ما میدانیم که در این مورد هیچکس هیچگونه اطلاعی به شهربانی نخواهد داد و همچنان که سنت افتخارآمیز خلق ماست و پلیس تنها خواهد ماند . ولی باید پرسید که اگر مردم مایلند به پلیس کمک کنند چسرا باید به آنها جایزه نقدی داد و اگر مردم هم آنها را تشنگ نمی

دانند چسرا پلیس می گوید که نام اطلاع دهندگان را مکتوم نگاه خواهد داشت؟ این در تکیه بخوبی نشان میدهد که فقط ترجمین ، خائنین و دزدها با پلیس همکاری میکنند .

بسراداران و خواهران سران مستبدینده چراما به پاسگاه قلمک حمله کردیم ؟ زیرا سران ، مبارزه مسلحانه ای که به بخاطر نجات هم میهنانمان از زیر حکومت بیگانه بر سر شاه صورت میگردد ، باطله است احتیاج داریم . ما نمی توانیم این سلاح ها را مثل شاه با پولی که از مردم دزدیده شده از آمریکا و انگلیس و اسرائیل خریداری کنیم . ما فقط می توانیم با

### برای خلق توضیح میدهند

بخطر انداختن جان خود از آن مسلسل های اسرائیلی استفاده نمیکنیم . چرا سر پاسبان پاسگاه قلمک کشته شد ؟ زیرا در برابر خواست عادلانه ما مقاومت نمود و به روی ما تیراندازی کرد . ما از مرگ او متأسفیم و تأکید میکنیم که اگر پاسبانان در برابر ما مقاومت نکنند ما هم به آنها آسیبی نخواهیم رساند . ولی پاسبانان خود از حکومت شاه رنج می برند و در ازای یک دستمزد ناچیز مجبور است تن به خطر دهند و بر خلاف میلش مردم را بخاطر منافع فارتگران دستگیر کنند یا بکشند . در عین حال در برابر ما مقاومت می کنند ، در واقع خودشان را انتخاب کرده است . ما چریکهای فدائی خلق به حکومت شاه اکتفا نداریم . ما میدانیم که اگر خشونت سازمان امنیت و پلیس همچنان ادامه یابد ، اگر با زندانیان سیاسی همچنان مانده گذشته رفتار شود ، از این پس جهان هیچ امریکایی و انگلیسی که در ایران مأموریت سیاسی ، نظامی ، اداری و به ظاهر فرهنگی دارد در امان نخواهد بود . حکومت شاه باید بهتر بداند که دولت غارتگر امریکا به تنهایی شش هزار مستشار نظامی در ایران دارد و حفظ جان اینها غیر ممکن است . ما با اقدام فریبجوی خون آشام نشان داریم که قادریم این کار را بکنیم و بدون شک اگر شاه مجبورمان کند خواهیم کرد .

درود بر مردمی که سنت عدم همکاری با پلیس را حفظ می کنند و اعتلا می بخشند . تشنگ و نفرت پر دار و دسته شاه که دسته دسته از مردم ما را سلاخی می کند .

" حزب توده ایران اعتقاد راسخ داشته و دارد که یکی از شرها پطیپوزی مردم ایران در مبارزه بخاطر آزادی و استقلال و آینده روشن مینماید ما سقوط رژیم نیکت بار کونین و برچیدن بساط سلطنت محمد رضا شاه است . محمد رضا شاه " شیخ شری " است که سالها است بر سراسر مینماید ما و مردم سایه افکنده است . شاه مانند جغد شومی است که بر بالای ویرانه ای که ساخته و پروراخته خود اوستنوخه میزند . تا سایه این شیخ از روی ملتا ما برداشته نشود ، تا این جغد شوم از فراز مینماید ما بریز افکنده نشود ، امکانی برای آزادی و آبادی کشور ما نیست .

امروز پس از گذشت زمان و بر اثر واقعات سرسخت و این حقیقت دیگر بر هیچکس پوشیده نیست و آن عده از مینماید پرستان ایران که در گذشته تصور میکردند هنوز با پند و مواظبه و گاهی با تهدید به انقلاب میتوانند شاه را از راه خیانت بنحلت و کشور بازگردانند و شعار " شاه باید سلطنت کند نه حکومت " را هنوز علی میدانند اینک برحله قطعی تری در مبارزه بر علیه شاه و بقصد ریشه کن ساختن او وارد اقدام شده اند .

حزب توده ایران نخستین سازمانی است که مبارزه با شاه را آغاز و پیوسته با سرسختی دنبال کرده است . بدون شک این مبارزه حزب توده ایران در شناساندن چهره واقعی شاه و در افشای ما هیت فاسد و خیانتکار او و تجویز افکار عمومی مبارزه با او نقش اساسی بازی کرده است . حزب توده ایران بارها توضیح داده است که شاه تا آن اندازه که در قدرت دارد ، خواهد کوشید بر کشور ایران حکومت کند و نه سلطنت . شاهی که بقانون اساسی دستبند شده تا آنرا در جهت منویات خود تغییر دهد هرگز به سلطنت قانع نخواهد بود . شاهی که مزه حکومت را چشیده دیگر با میل و رغبت از آن دست برد نخواهد داشت و اگر بغرض بر اثر فشار توده های مردم ناچار شود به سلطنت قناعت کند و از حکومت دست بکشد ، ولی او کوشش و توطئه باز نخواهد ایستاد تا حکومت را دوباره بخود برگرداند .

حزب توده ایران با زهم نخستین سازمانی است که ماهیت رژیمهای شاه را افشا کرد و نشان داد که این مرد حیل گر که تکیه گاه می جز سرنیزه ندارد با این تشبیهات بخوبی خود میخواید پایگاهی در میان مردم ایجاد کند تا رژیم شوم خود را که ارکان آن دست خوش تزلزل است تثبیت نماید و با زهم چند صباحی بر سر حکومت ایران بنشیند .

گذشت زمان صحت نظریات حزب ما را ثابت کرد . جالب است که اکنون پاره ای از سازمانها به این نتیجه رسیده اند که جز با زور و قهر نمیتوان شاه و طبقه حاکمه را از صحنه تاریخ بکار زد و در این اعمال زور و قهر میخواید بر نیروی بیکران زحمتکشان تکیه کنند .

بقیه در صفحه ۲

### افتخار بر مردمی که سنت عدم همکاری با پلیس را حفظ می کنند و اعتلاء می بخشند

دنباله

# همه باهم در مبارزه بادشمنان خلق

ما همیشه برآن بوده ایم که شاه تکیه گاهی در میان مردم ندارد و لذا پایه های رژیم او مست و لرزان است. ولی رژیم شاه خود بخود سقوط نخواهد کرد. برای برچیدن آن اتحاد همه نیروهای انقلابی ضروری است. اتحادی که از کین و خشم مردم نسبت به شاه نیروی متشکل و آگاهی پدید آورد. نیسرونی که مانند سیل خروشان شاه و رژیم منحوس او را از سر راه ترقی و سعادت ایران بر خواهد داشت. نزدیکی نیست که اگر در گذشته ندهای حزب توده ایران در ایجاد جبهه واحد و مبارزه مشترک، از طرف نیروهای مترقی ایران بلا جواب نامی مانده چه بسا اکنون کشور ما از این "شیخ شوم" رهایی یافته بود. اکنون نیز هر اندازه سرعیتسر و زودتر نیروهای مترقی برای مبارزه مشترک با یکدیگر توافق کنند، آزادی ملت ایران در برانداختن رژیم موجود زودتر تحقق خواهد پذیرفت. اصرار در جدائی نیروهای انقلابی، عنوان و بهانه آن هرچه باشد، نتیجه ای جز دوام رژیم شاه نخواهد داشت.

این عین مقاله ای است که در تاریخ پانزدهم تیرماه ۱۳۴۲ در شماره ۶۳ روزنامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده انتشار یافته است و مسلماً تنها مقاله و یا سندی نیست که کمیته مرکزی حزب توده طی آن نظر صریح خود را در باره شاه و ماهیت سلطنت در ایران بیان داشته است. بلکه همانطور که نویسنده آن روزنامه مردم در این مقاله و صد ها مقاله و قطعه نامه حزبی بارها یادآور شده اند "شاه تا آن اندازه که در قدرت دارد خواهد کوشید بر کشور ایران حکومت کند و نه سلطنت. شاهی که به قانون اساسی دستبردها زده تا آنرا در جهت منویات خود تغییر دهد هرگز به سلطنت قانع نخواهد بود."

بسیار حرف درستی است و بر منکرش هم لعنت.

در سنده دیگر حزب توده در قطعه نامه سیاسی پلنوم هفتم در باره سیاست تاکتیکی حزب توده در مبارزه با رژیم شاه چنین میخوانیم: "در مبین ما و رژیم کودتا یعنی دیکتاتوری مرتجع ترین عناصر طبقات حاکمه ایران - ملابین و سرمایه داران وابسته باامریالیسم برقرار است. این رژیم که با دخالت مستقیم امپریالیستهای آمریکا و انگلیس اثر اثر کودتای ضد ملی مراد سال ۱۳۳۲ روی کار آمد، رژیم است غاصبانه، استبدادی، دست نشانده مستقیم امپریالیست ها و متکی به تئوری شاه و دربارش مرکز ثقل رژیم کودتا بوده و سرنگون کردن رژیم کودتا بدون برچیدن بساط سلطنت محمد رضا شاه مقدور نیست."

حال ناگهان ورق برگشته و کمیته مرکزی حزب توده می خواهد به خلق اله حقه کند که گویا گره عاید شده و دیگر نیازی به برچیدن بساطش نیست. و آن جغد شومی هم که گفته میشد بر بالای ویرانه های وطن نشسته، دیگر آنجا نیست، همسایه دراز دست شمالی کین کرد و رفت. حالا بجای آن "جغد شوم" های سعادت بر فراز مبین بال و پر کشوده و بر ایمان آزادی و آبادی به ارضان آورده است. به بنیید بلند گوهی تبلیغاتی کمیته مرکزی چگونگی تلاش میکنند تا این نظریه را نرمه و نرمه و خیلی ظریفانه جا بی اندازد. آنها در سخن پراکنی های خود، دیگر نه تنها به شخص شاه حمله نمی کنند، بلکه لبه تیغ حمله را مترجه فعالیت های سازمانها و عناصر اپوزیسیون مترقی ایران کرده اند که چرا در فعالیتها و شعارهای خود یا را از چارچوب قانون اساسی فراتر نیندازد و به رژیم دستاویز داده اند تا از فعالیت های آزادانه مخالفین در چارچوب قانون اساسی جلوگیری نماید. ؟ چون حضرات بزبان

روسی حرف میزنند و ترجمه واقعی این حرف اینست که چرا اپوزیسیون در ورای محاسبات سوداگرایانه و سازشکارانه آنها و بزرگداشتن پسه مبارزه ادامه میدهد و شرایط معامله سیاسی بین آنها و رژیم را مشکل میسازد. و گرنه کیست که نداند در ایران باوجود رژیم فاسد شیستی شاه کوچکترین امکانی برای فعالیت های آزادانه اپوزیسیون واقعی موجود نیست و محمد رضا شاه یکسره روی قانون اساسی بطلان کشیده و آنرا بصورت قانون سلطنت استبدادی در آورده است. با این وجود، چنانچه کمیته مرکزی تصمیم خود را گرفته و خیال هم کاری با رژیم، در چارچوب قانون سلطنت استبدادی را در راه برایش باز است و دیگر سنگ قانون اساسی را بسینه نزنند و بیسوده عوام فریبی نکنند. اما توبه کزگ مرگ است و کمیته مرکزی نمی تواند برجم اساسی اش را که عوام فریبی است، به زمین بگذارد و بهیچین جهت است که کمیته مرکزی گاهگاری هم در تبلیغات خود برای رد کردن گریزی بصحرای کربلا میزند و ضمن تفاع از قانون اساسی و آزاد بیای دموکراتیک و باصلاح انتقاد به هیات حاکمه، یقه هویدی ای ذلیل مرده را می چسبند که چرا حقوق و آزاد بیای مردم را که در قانون اساسی آمده رعایت نمی کنند ؟

مثل اینکه حضرات حسب نسیان خورده اند و یا آنکه خود را به کورچه علی چپ زده و خیال میکنند یا این شعیده بازی ها میزنند مردم را بغریزند. هویدا نوکر شاه و بقول خودش ماموری است معذور. اگر راست میگویند و رنگی در گفتن نیست، این جمله خودتان را روزی دوبار از آزاد روی بیک ایران تکرار کنید: "در مبین ما رژیم کودتا یعنی دیکتاتوری مرتجع ترین عناصر طبقات حاکمه ایران - ملابین بزرگ و سرمایه داران وابسته باامریالیسم برقرار است. این رژیم که با دخالت مستقیم امپریالیستهای آمریکا و انگلیس بر ایشسر کودتای ضد ملی روی کار آمد، رژیم استغاصبانه، استبدادی، دست نشانده مستقیم امپریالیست ها و متکی به تئوری شاه و دربارش مرکز ثقل رژیم کودتا بوده و سرنگون کردن رژیم کودتا بدون برچیدن بساط سلطنت محمد رضا شاه مقدور نیست." ( از قطعه نامه سیاسی پلنوم هفتم کمیته مرکزی حزب توده در باره سیاست مبارزه با رژیم شاه )

کمیته مرکزی حزب توده، سازمانها و نیروهای اپوزیسیون مترقی ایران را یا هالوس فرض کرده و یا تصور میکند که نیروهای اپوزیسیون از اوضاع و احوال دنیا و ملکت و زدن بند های پشت پرده و محاسبات سوداگرایانه آنها و اربابانسان با رژیم شاه بی خبرند. باید گفت زهسی خیال باطل.

حزبی که بقول رهبران "نخستین سازمانی است که مبارزه با شاه را آغاز و پیوسته با سرسختی دنبال کرده است و در شناساندن چهره واقعی شاه و در افشای ماهیت فاسد و خیانتکار او و تجهیز افکار عمومی مبارزه با او نقش اساسی بازی کرده است. ظهور میثود که بدون هیچ حساب و کتاب قبلی که چنین گردش شد و هشتاد درجه ای بنماید و با بدوری افکندن برجم ضد شاه و سلطنت و چون گسادی سامه از درگاه شاه جنایتکار طلب عفو و بخشش کند ؟ جز اینست که اینبار هم منافع و مصالح استاد اول طلبیده که حضرات از این راه بروند. همچنان که کمیته مرکزی را همیشه ست بر این بوده است. رهبری حزب توده در سرتاسر دوران حیاتش هرگز با مغز خود نیاندیشیده و همیشه زحمت فکر کردن و تعیین سیاست در باره ایران را بعهده بزرگها گذازده و ایند فعه هم طبق معمول سنواستی خود فرمان "حزب پدر" عمل کرده است و با بدوری افکندن آخرین

برجم ستهای حزب توده - برجم ستنی ضد درباری، میبوند تسادر آفوش محمد رضا شاه قرار گیرد و به برنامه های اقتصادی و سیاسی مشترک شاه و چپانخوران روسی جامه عمل بپوشاند. برنامه های اقتصادی و سیاسی که همسایه شمالی برای ایران تعبیه کرده، در بهترین حالتش الگوی مصر از آب درمیاید که به تقویت سرمایه داری دولتی و ایجاد و گسترش قشر وسیع خرده بورژوازی در جامعه می انجامد. این همان راهی است که در قافوس اپوزیونیستها "راه رشد غیر سرمایه داری" نام دارد و در واقع اسمن همان جناب سرمایه داری است و منتها با قاضی طویل و خمیده و دستی محتاج و بستسه به چرخ "رویل" و "ارابه" دلار.

از آنجا که شرایط ایران با مصر کاملاً فرق دارد، اجرای این برنامه در ایران به علت وجود سلطنت مستبد و دیکتاتوری فردی و شکل حاکمیت قزوقالی و وابستگی عمیق رژیم و اقتصاد ایران به امپریالیسم و مخالفت همه جانبه خلق با رژیم ممکن نیست.

با اینوصف، تصور درونمای تحقق یک چنین برنامه خیالی در ایران، آنچنان حضرات را خوش آمده و بهیوش واداشته که یکجبهه خویندگی شده اند و ماهیت شاه را جوهر دیگری فرض کرده اند و بخيال خود با تمام نیرو میکوشند تا بهر قیمتی که شده شاه را در این جهت بجلسو هسل بدهند.

مسلماً در این هسل دادن بجلوبده و بستن های سیاسی لازم است که حضرات ماشالله آتقدیر کریم و دست و دل باز و بزرگوارند کسه از دادن تضایق ای نزنند. و در این اواخر حتی از کیمه خلق اله مبارزات دلبرانیه مردم هم که هیچ ربطی به آنها ندارد، مایسه میبوند. و این دیگر نهایت بی شرمی و سوداگری است. کمیته مرکزی حزب توده که در گذشته در جریان مبارزات مردم نقش مرتیسه خوان گور شهیدان را بعهده داشت، امروز دیگر بصورت قاضی عسکر میدان های اندام رژیم شاه درآمده است. در جریان واقعه سیاهگل و اندام رزندگان دلیر خلق و کشتارهای بعدی دیدیم که چگونه و با چه تندی خاصی در کار جلا دادن شاه این نقش را ایفا کرد. هنگامیکه دسته دسته از بهترین فرزندان خلق به چوسه اندام بسته میشدند و یا در زیر شکیه های وحشیانه مامورین سازمان امنیت بقتل میروسیدند، حضرات بجای اعتراض و حمله به رژیم خونخوار شاه و دعوت مردم به ادامه مبارزه علیه همان "جغد شومی" کسه گویا همسایه شمالی پریشان داده، به مبارزین رشید خلق می ناخندند و آنها را ماجراجو و هرج و مرج طلب می نامیدند و بلند گوهی رژیم شاه هم از سوی دیگر به همین عناوین فرزندان خلق را محکوم میکردند. این امر تنها یک هموائی بین رژیم شاه و کمیته مرکزی حزب توده نیست، بلکه نشان وجه مشترک آیدتولوزیک در برخورد بیک مساله مشخص است. و از یک تحلیل مشخص از شرایط جامعه ناشی میشود رژیم شاه عمل انقلابی فرزندان خلق را بعلت انجام "انقلاب سفید" و از بین رفتن شرایط عینی و ذهنی لازم برای انقلاب، حرکتی بدور از واقعیت موجود جامعه ما، و ماجراجویانه و هرج و مرج طلبانه و "خاقتانه" قلمداد میکند. کمیته مرکزی حزب توده هم صرف نظر از چگونگی نحوی بیان مساله و حاشیه رفتن های تئوریک دست همسین را میگوید. و از آنجا که ماهیت نقش شان یکی است، شرایط رانیز یکسان برآورد میکنند و به ماهیت رخداد هم یکسان میگردند. همان گرنه که جلا فنگام برین سر ستم او را گاهکار میداند. قاضی عسکر هم با تمام ادا و اطوارهای دلسوزانه و ریاکارانه اش وقتی از محکوم می خواهد که در آخرین لحظات حیات خود از درگاه خدا طلب بقیه در صفحه ه

# ۵۰ سال سلطنت پهلوی ننگ تاریخ کشور ماست

... کلاهبرداری در بار پنجم فرهنگ در زیر طم جشنهای دوهزار و پانصد ساله هنوز ادامه دارد .

چندی پیش اشرف پهلوی اعلام کرد که برنامه جمع آوری کمک هزینه ساختمان ۲۵۰۰ مدرسه بمناسبت جشنهای دوهزار و پانصد ساله با موفقیت کامل انجام گرفته است و تا بحال هزینه ۴۰۰۰ مدرسه تامین شده است . عظیم چنین اظهار نظری فراموش در بار پهلوی هنوز هم بهانه تامین هزینه ساختمان مدارس سر کوب میگردید که این واخانی از مردم هستند و به انواع حیله و تسلیح میکنند تا مبلغ هنگفتی از هزینه سرسام آور جشنهای درباری را به مردم فقیر وطن ما تحویل کنند . طبق اطلاعات واصله کلیه اختیارات بانکی صاحبان اعتبار را بسته اند و باز نخواهند کرد مگر اینکه صاحب اعتبار مبلغی برای ساختمان مدارس بدهد . سه روز از حقوق کلیه کارمندان دولت بنام ساختمان مدارس کسر شده است در کلیه مدارس کشور از هر دانش آموزی مبلغ ۲۰ تومان بکنسروان کمک به ساختمان مدرسه میگیرند . با وجود تمام این غارت ها و تلکه های شاهانه از مردم درباریان هنوز ندانند از طمع دارند و گویا خیال دارند که نیمی از هزینه جشنها را از این راه از کیسه فقیر مردم بیرون بکشند . بر اساس یک چنین محاسبه ای است که دولت شاه تبلیغات وسیعی برآورداخته و توجیه مینماید : " بخت آزمائسی " ترتیب داده و ... دستگاه ماشین پیکان و مبلغ یک میلیون تومان پول نقد یک جا و سیصد هزار تومان درجای دیگر بعنوان جایزه برای خریداران اوراق مدرسه تعیین کرده است . چنانچه اشرف پهلوی راست میگوید و تا بحال بجای هزینه ۲۵۰۰ مدرسه هزینه ۴۰۰۰ مدرسه تامین شده است پس دیگر اینهمه تبلیغ و اخانی برای چیست ؟

واقمیت اینست که مردم میهن ما این جشنها را از آن خود نمیدانند و بحق با آن مخالفت می ورزند و در بار هم که به ایسسن حقیقت بی برده و تلاش دارد بهر نحوی قسمتی از هزینه سرسام آور جشنها را به طرق گوناگون بر مردم عادی تحویل کند تا از این راه بتواند در باره سهیم بودن و شرکت مردم در جشنها تبلیغات و جار و جنجال برآورد باندازد . مردم کوچک و بزرگ که به حقه بازی در بار در میهن ما بی برده اند ، در باره خیمه شب بازی ساختمان ۲۵۰۰ مدرسه میگویند : " دولت از همین حالا ۲۵۰۰ تابلو مدرسه آماده دارد . تابلوهای قدیم مدرسه را بر میدارند و تابلو های جدید را نصب میکنند . "

... رژیم مبلغ ۲۷۵ میلیون دلار برای هزینه تاسیسات شبکه مخابرات تخت جمشید اختصاص داده و تا چنانچه رئیس دولت خارجی در جریان برگزاری جشن های دوهزار و پانصد ساله بخواهد با کشورش تماس حاصل کند ، از همانجا بتواند مستقیما تماس بگیرد . این عمل چیزی جز غارت بیت المال مردم و قبیضه شاهانه نیست .

... در جریان جشنهای دوهزار و پانصد ساله مسئولیت محافظت از چادر " بارعام " که محل سکونت سران دولتهای خارجی در تخت جمشید است ، بعهد امریکاییها گذارده شده است . شاه بخود بی میاند که اربابان امریکایی او بهترین محافظین آن هستند و همانطور که در ۲۸ مرداد ۳۲ او را دوباره به تخت شاهی نشانند ، در حال حاضر نیز از او محافظت میکنند . دو خبر فوق در شماره ۱۰۴ اکسپرس که یکی از پرنیوز ترین مجلات فرانسوی است ، انتشار یافته است .

... در باره پهلوی سابقه ای برای بهترین شعری که بمناسبت برگزاری جشنهای دوهزار و پانصد ساله " شاهنشاهی " سروده

# رویدادهای ایران

شود و ترتیب داده و در انتظار است تا در لنگان درباری بنام "شاعر" در وصف " شاه " اراجیفی سرهم کنند و از طریق مطبوعات بخورد مردم بدهند . یکی از شعراى خلق بدین مناسبت شعری سروده که ما برای اطلاع همگان در اینجا بدرج آن مبادرت میوزیم ؟

هـ هـ هـ

" بمناسبت اعلام مسابقه بهترین شعر برای جشن های دوهزاروپانصدمین سال شاهنشاهی ایران "

پر لیش قفل گران تاج

بر سرش نیش و مار مغز خوار گرسنه ضحاک

دوشیار زخم روی سینه اش از گردش آرایه کوروش

شاهه اش مروج از شلاق خسبیر سناه

گردش در دام زنجیر طلای عدل نورشوان

برگوش پنجه خونریز شاه عباس

در دو چشمش نشتر گزلیک نادر شاه

خون اندامش روان از چند جا در لوله ها تا ساحل غارت

مرحم بسیار زخم کهنه اش زهر سفید انقلاب نازه ضحاک

سینه اش سوراخ از هزاران " نیش "

بر تپش گاهش فرو سرنیزه " خرداد "

و در دستش قامت فریاد و مشتاش

صخره های انتقامی شجده در لحظه های انفجار خشم تاریخی .

اینک این تنه یس ایراننشر

اینک این تنه یس تاریخ فصیح خلقی

مظهر میراث خلق از خدمت شاهان به ایراننشر

هد یسه پیکر تراش خلق - از سوی تمام خلق -

هد یسه ایران

از برای جشنهای دوهزار و پنج صد ساله .

\* \* \*

رژیم در یکتوری فاشیستی شاه بد نبال اعدام ۱۳ تن شجاعان سیاهگل جنایت سیمانه دیگری را علیه فرزند مبارز خلق ما تدارک می بیند .

مدتی قبل ۷ تن دیگر بانها همگاری با چریکهای مسلح خلق ، بشیوه همیشگی بطور سری در دادگاه بدوی نظامی باصطلاح "حاکمه" و محکوم باعدام شدند .

دو تن از این هفت تن محکومین ، بهین جزئی و ضیا ظریفی هستند که هر دو نفر ، چهارسال قبل در همین قضاگاههای شاه "حاکمه" محکوم شده بودند .

کینه و عداوت شاه و جلادانش نسبت باین مبارزان از جان گدشته خلق تا بانجا رسیده که اینچنین گستاخانه حتی زندانیان "حاکمه" شده را هم پس از چهارسال دوباره به "حاکمه" میکشاند و باعدام محکوم میکنند .

طبق اطلاع و برادر جواد سلامی ، یکی از ۹ تن افراد تحت تعقیب - نیز جز " این هفت تن محکومین باعدام است .

\* \* \*

در حالیکه اسامی قطعی و گرسنگی در منطقه سیستان و بلوچستان بیداد میکند و مردم رحمتکن این استان در اثر بی غذائی مانند برگ خزان بر زمین میافتند و جان می سپارند ، رژیم فاشیستی شاه

برای سرکوب مردم سرگرم تجهیز بیش از پیش ارتش است و تا کسبون مبلغ یک میلیارد تومان بابت خرید آری تانکهای چیفن پرداخته است .

\* \* \*

پنجشنبه ۱۳ خرداد سالروز شهادت آیت اله سعیدی بود . بمنظور بزرگداشت خاطره این مجاهد آزاد یخواه ، قرار براین بود که مجلس ترحیمی در مسجد حضرت موسی ابن جعفر ، واقع در خیابان عباسی - مسجد همین شهید فقید - برگزار گردد . گروه کثیری از اقدار مختلف مردم برای شرکت در این مجلس یادبود بمحل مسجد مزبور آمدند ، لیکن مامورین ساواک و شهرستانی قبلا در مسجد را بسته و آنرا تحت کنترل گرفته بودند . مردم وقتسی با این گستاخی بیشرمانه مامورین رویو شدند ، هکرم در خیابان عباسی تجمع کرده و بمفاصله کزناهی ، انبوه کثیری از اهالی محل پلینطق محمول سر رسید و با طوم و مشت و لگد چنان سرگرد افتاد . در این جریان باز عد زیادی بازداشت شدند .

\* \* \*

... اواخر خرداد ماه چریکهای فلسطینی - گروه جرج حبش - نیمه شب یکی از نفتکشها را در " باب المندب " زیرگبار ارتشش میگیرند . چریکهای فلسطینی اعلام کرده اند که بزودی از اسرار رابطه بین ایران و اسرائیل برده بر میدارند و نشان خواهند داد که دولت ایران چگونه بطور رایگان نفت در اختیار صهیونیستها میگردد .

\* \* \*

... در جریان مراسم حج - دی و بهمن سال ۴۹ - مامورین ساواک آقای ناصری بزوی را که در مراسم حج بین حجاج مبادرت به بخش اعلامیه حضرت آیت اله العظمی خمینی نموده بود ، دور از چشم مامورین سعودی برده و ایشان را در فرسخ بیچند و بسو سیله شرکت هواپیمایی هما روانه ایران می سازند . این آدم زدی که بسبب زدی ایشان بوسیله جاسوسان اسرائیلی انجام گرفته نتیجه تعلیمات کارشناسان اسرائیلی به جاسوسان سازمان امنیت است . پس از انتقال آقای ناصری بایران مدت یکماه کوچگریسن خبر و اثری از ایشان نبود تا اینکه بعد از یکماه معلوم شد که در اثر تشکجه های وحشیانه مامورین ساواک ، ایشان بسختی جرح شده و در یکی از بیمارستانها بستری می باشد . بعد از مدتی ایشان را از بیمارستان به زندان قصر انتقال دادند و تا هفتم خرداد در زندان قصر محبوس بودند . بطوریکه زندانیان قصر اظهار داشته اند ، نیمه شب هفتم خرداد در حدود ساعت ۱۴ مامورین ساواک سراسیمه وارد زندان قصر شده و آقای ناصری راها خود برده اند و از این تاریخ تا کون کوچگرین اطلاعی از سرنوشت ایشان در دست نیست .

\* \* \*

... روز ۵ شنبه ۱۳ خرداد جلسه درس آقای آیت اله حاج شیخ حسینی نظری مدرس بزرگ حوزه علمیه قم به جلسه سخنرانی علیه وحشیگریهای مامورین شاه و آخوندهای درباری نظیر شریعتی ارائه تبدیل میشود . بر این جلسه رژیم شاه و جشن های ۲۵۰۰ ساله مورد حمله و انتقاد شدید قرار میگیرد . در جریان سخنرانی مامورین سازمان امنیت وحشیانه به کلاس درس میوزند و عده ای از طلاب را توقیف میکنند . ساعت ۱۰ شب ، ۱۳ خرداد مامورین سازمان امنیت به خانه آقای آیت اله نظری میروند و ایشان را بازداشت و شبانه به " نجف آباد " تبعید میکنند . فرزند آقای آیت اله - بقمه در صفحه ۴

# مرگ بر شاه جنایتکار نوکر دست بسته امریکا و انگلیس

# عملیات ضربتی گروه‌های مسلح

۱ - ساعت ۱۲ شب پنجمین ۱۶ اردیبهشت بمبی که چریک‌های شهری در محل انجمن ایران و امریکا - عباس آباد - کارگاه آتشه بودند، منفجر شد و قسمتی از ساختمان و تاسیسات یانگسی ها ویران گردید . مسئولین این لانه جاسوسی امریالیستها بعضه رویشی نمودن این رخداد برنامه کار خود را قطع نکردند و فقط جلوی قسمت خراب شده ساختمان را بستند و بروی آن نوشتند که در دست تعمیر است .

۲ - در آخرین هفته اردیبهشت ماه در منطقه "ماسوله" واقع در شمال - بین بندر بیلوری و طالش - نبرد خونینی بین چریک‌های فدائی خلق و افراد گارد جنگل و زانده امری در گرفت . در این نبرد یک دختر چریک همدوش برادران مسلح خود بر طبقه قوای دولتی شجاعانه جنگید . تا بحال از تعداد تلفات این واقعه اطلاعاتی در دست نیست .

۳ - ساعت ۱ و ربع صبح پنجمین ۲۳ اردیبهشت ماه یک گسروه ده نفری از چریک‌های شهری وارد شعبه بانک ملی خیابان ایزنهاور شدند و کلیه موجودی بانک را که در حدود هشتصد هزار تومان بود بزور اسلحه برای صرف مخارج جنبش آزادی بخش خلقی وصول کردند . در جریان عمل چریک‌های فدائی خلق با تمام قوا کوشش نمودند که کوچکترین آسیبی به مراجعین بانک و کارمندان بانک وارد نیاید . انقلابیون بدون آسیب و بجا گذاردن اثری ایمن اقدام انقلابی را با موفقیت انجام دادند .

۴ - یک گروه از چریک‌های شهری در اواخر اردیبهشت ماه بقصد از بین بردن پرونده های موجود در بایگانی دادرسی ارتش - بمبی در محل اداره دادرسی ارتش کارگردانند که با انفجار آن قسمتی از ساختمان دادرسی ارتش دستخوش حریق شد . بطوریکه هنوز هم آثار سوختگی در این محل چشم میخورد . مامورین آتش نشانی

دنیالسه

## رویدادهای ایران

منتظری که خرید نیز معلم اقتصاد حوزه علمیه قم است، تعقیب و آزار مامورین ساواک قرار گرفته است .

از زمان انتشار اعلامیه حوزه علمیه قم و از شب سالگرد شهادت آیت اله سمعی و تاکنون مامورین ساواک مرتباً دسته دسته از طلاب را توقیف کرده و به بازداشتگاه می برند و تا صبح یا شلاق و باطوم می زنند و روز بعد آزاد میکنند و یک دسته دیگر را می برند و همین بلا را بر سرشان میاورند . این عمل وحشیانه پلیس همنروز ادامه دارد .

در همین روز ( پنجمین ۱۳ خرداد ) در قم نیز به همین منظور و باز به همین علت که پلیس از برگزاری مجلس یاد بود شهید فقید آیت اله سمعی و با خمشون جلوگیری بعمل آورده بود ، تظاهرات بسیاری وسیع و پربارانه ای با شرکت کلیه روحانیین مرفقی و جمع کثیری از اهالی قم انجام گرفت . در جریان این تظاهرات نیز بسیاری از تظاهرکنندگان از ایشار مختلف دستگیر و روانه زندان شدند . شهر قم مجدداً در حال جوش و خروش است . روحانیین مرفقی

قبل از رسیدن شعله های حریق به محل بایگانی موفق به محار کردن حریق شدند .

یازدهم خرداد سرهنگ احمد معمار همدانی یکی از قصابهای سازمان امنیت که در شکجه گاههای شاه فرزند ان رشید و مبارز خلق را با متدهای وحشیانه فاشیستی از پای در میاورد توسط سه تن از مردان مسلح خلق در منزلش یازدهم خرداد در یک بازجویی در ساعت همزای اعالتش رسید .

سه تن از چریک‌های شهری روز یازدهم خرداد پس از ورود بمنزل سرهنگ احمد معمار همدانی ابتدا زن و فرزند ان او را در اطای محبوس کردند و دور از چشم آنها پس از دو ساعت بازجویی حکم اعدام انقلابی را در باره او و برحله اجرا گذاردند و بدون کوچکترین اثری محل حادثه را ترک کردند . روز پنجمین ۱۳ خرداد خیر فوت و مجلس ترحیم سرهنگ احمد معمار همدانی بدون ذکر علت مرگ در روزنامه کیهان درج گردید .

تاکنون صد ها تن از بهترین فرزندان خلق در زندانهای محمد رضا شاه بدست شکجه گرانی نظیر سرهنگ احمد معمار همدانی از پای درآمده اند و یازماندگان شهید ا حتی از دریافت جسد و محل دفن آنها محروم و بی اطلاع مانده اند . در مقابل چنین قساوتی اجرای احکام اعدام انقلابی در باره قضایان رژیم از جانب سربازان خلق عملی استعداد لانه که باید مورد پشتیبانی همه مبارزین راه آزادی و استقلال میهن قرار گیرد . باشد تا سایر جلاخان شاه از این واقعه درس عبرت بگیرند .

شنبه ۱۵ خرداد بخاطر راه آهن جنوب "ازنا" که بوسیله گروهی از چریک‌های فدائی خلق مین گذاری شده بود ، منفجر گردید و قطار جنوب که حامل محمولات جنگی برای دولت اسرائیل بود ، از خط خارج گردید .

این شهر به نبال تکبیر و پخش اعلامیه های ا حضرت آیت اله خمینی اعلامیه های متعدد دیگری در اثناء ماهیت دیکتاتوری شاه و علیه برگزاری جشنهای دوهزار و پانصد ساله "چاپ و تکثیر کرده اند .

در اکثر شهرهای ایران روحانیین مرفقی و آزاد بخواه بد ستور حضرت آیت اله خمینی علیه آخوند های دعاگو و شاخوران شاه و آن عسده آخوند مرتجع و کاسه لیس دربار که با شاه ملاقات کرده اند و اجیر دربار و مامور رسمی سازمان امنیت اند ، مبارزه قاطعی را آغاز کرده اند ، بدین ترتیب که روحانیین مرفقی و مبارز شیراز بد ستور حضرت آیت اله خمینی عمده آخوند های درباری را از سرشان برداشته و در ملا عام رسوایشان کرده اند .

- ۱ - شیخ ابده کامران - ۲ - شیخ ناصرالاسلام ( ناصرالکفای )
- ۳ - ملاجعفر حمیدی - ۴ - ملا ابراهیم دستغیب - ۵ - فضالی پیشنماز شاه چراغ - ۶ - فخرالمحققین شیرازی .

طی شش ماه گذشته سازمان امنیت شاه تعداد زیادی از کتابفروشی ها را در سرتاسر کشور بسته است . تنها در شهر مشهد سه کتابفروشی بناهای رازی ، نسیمیا و پگاه بسته شده است و رهسرای و حسن قاسمی ، صاحبان کتابفروشی رازی و پگاه بازداشت شده اند . در هجوم وحشیانه ایکه مامورین سازمان امنیت به کتابفروشی های

مزبور کرده اند ، کلیه کتابها را بیضا برده اند .

\*\*\*

آدمکشان سازمان امنیت شاه تاکنون در نقاط مختلف کشور صدها نفر را بچرم همکاری با مبارزین جنگ دستگیر و روانه شکجه گاههای قرین وسطائی نموده اند . در بین بازداشت شدگان اخیر در شهر تهران ، تعدادی زن جوان نیز یافت میشوند که از سرنوشت آنها کوچکترین اطلاعی در دست نیست . نام یکی از بازداشت شدگان زن ، شهین کریمی است .

\*\*\*

طوسی کردن جنگها یا الا کشیدن جنگها ؟

یکی از مواد "انقلاب سفید شاهانه" باصطلاح ملی کردن جنگها است که بصورت تقسیم جنگها بین اعوان و انصار " رهبرانقلاب سفید " در آمده است . رژیم شاه که ابتدا جنگها را بنام طوسی کردن به زور از اهالی گرفت ، حالا سر فرصت مشغول تقسیم کردن قطعات زمیای جنگهای شمال بین حواریین خود می باشد . نخستین قطعه از قسمت های سر سبز و خرم جنگهای شمال کسه قطعه قطعه شده و بمنعوان یاد ایش به جفاقت اران سازمان امنیت واگذار گردیده است بنام نامی جناب سرهنگ ثابتی ، هنر پیشه معروف در ادب و تلویزیونی سازمان امنیت ثبت گردیده و قطعات دیگر بنام سایر همکاران ایشان می باشد . بهیچوجه نیست که افرادی نظیر ثابتی اینگونه سنگ " انقلاب سفید شاهانه " را بسینه میزنند و برای آن نقلی میکنند .

\*\*\*

سرتیب شقاقی فرمانده وزانده امری خوزستان از کاربرگارشده . علت این برکاری و دلباختگی ناگهانی تیسار به خانم لی لی هنسر پیشه فیلهای فارسی می باشد . زمانیکه لی لی برای بازی فیلمی به خوزستان میروند ، سرتیب شقاقی با دیدن او و نه یکدل بلکه صد دل خاطر خواه او میشود و کار این عاشقی بجای میرسد که سرتیب شقاقی ماهیانه ۱۰۰۰۰ تومان برای او تعیین میکند و در تمام مدت اقامت در خوزستان هلیکوپتر و ماشینهای ارتشی را برای استفاده شخصی در اختیار علیا مخدره میگردد و حتی اسکورت مخصوص بوسیستی سروان فرحبخش مامور سازمان امنیت خوزستان برای او درست میکند که در تمام مدت اقامت در شهرهای خوزستان علیا مخدره را همراهی میکند . است . بخش خیر این عشق و عاشقی در شهرهای خوزستان که توأم با سو استفاده از ساز و برگ نظامی بوده است ، موجب برکاری سرتیب شقاقی میشود . سرتیب شقاقی که یکی از غلامان خانه زانده شاه است و سالیان دراز در گارد شاهنشاهی مامور حفظ جان شاه و ناظر اعمال ولینمعت بوده است ، در این اواخر فرحمان شاه مامور حفظ و پاسداری از مرزهای جنوب کشور میگردد . ولی شوق بییری آنچنان می جنبد که سر به رسوائی میزند و تیسار " دشمنان خیالی وطن " و " وظیفه پاسداری از مرزهای جنوب را که شاه آنقدر در باره آن دم میزند از یاد می برد و در نتیجه مورد غضب ارباب واقع میشود . چه که این فراموشی و رسوائی به زیان برنامه های تبلیغاتی شاه تمام شده است .

\*\*\*

در دانشگاههای ایمران

دانشگاهها همچنان در حال تعطیل اند و دانشگاههای تهران همچنان در زیر سایه سرنیزه های کماندو های شاه در حال تعطیل بسر می برند . در اثر بیورش های مامورین سازمان امنیت و کماندوهای شاه به دانشگاه طی ماههای اخیر عده ای از دانشجوین بدست جفاقت اران شاه بقتل رسیده و تعداد بسیاری مجروح و بازداشت شده اند . از سرنوشت بسیاری از بازداشت شدگان که در شکجه گاههای سازمان امنیت شاه بسر می یقیه در صفحه ه

# زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است

# ایران برای سرمایه داران بیگانه پرست بهشت اعلامیه و برای خلق جهنم است

حکومت شاه و این سگ یاسپان ضایع آمریکا و انگلیس و صهیون ما را بصورت یک زندان بزرگ برای اکثریت عظیم مردم در آورده است . ایران برای سرمایه داران بیگانه و نوکران داخلی آنها بهشت است و برای مردم و برای کارگران و دهقانان که زندگیشان هر روز سخت تر میشود و برای پیشه وران و صنعتگران و بازرگانان ملی که در سته دسته ورشکست میشوند یک جهنم است . هر تصمیمی که حکومت استبدادی میگیرد در جهت سلطنت نوین سرمایه داران بیگانه بر زندگی خلق است . همچنانکه آیت اله خمینی میگوید : " برای مردم ما جز با بربری و کارگری برای سرمایه داران عامل اجنبی باقی نمانده است " . زندگی دهقانان مثل گذشته فلاکت بار است . آنان غالباً هنوز از ابتدائی ترین وسایل زندگی یک انسانی آزاد محرومند . فرقی بین است که امروز به اربابان بیشتری باج میدهند . این اربابان تقسیم تر ، طمعکارتر و خبیث ترند و سربینه و زنده ار مری و از ترس پشت سر آنهاست . بانک ادوات اصلاحات ارضی ، ادارات جنگجائی ، شرکتیهای سهامی زراعی و دیگر موسسات فارتگر اربابان جدید هستند که در راه سفق قدرت شاه و اربابان امریکائی و انگلیسی آن خون دهقانان ما را می مکند و ورشکسته شان میکنند تا به مزدوری تن در دهند ولی مگر برای دهقانان فلاکت زده ای که به شهروری می آورند کار وجود دارد ؟ آنها فقط میتوانند چشمه ماهی از سال را آجر بالا بیاندازند یا دور از چشم آجانبان مسا پرتقال بفروشند . باین ترتیب بیگاری روز افزون است و تازه کسار خلقی از مردم هم نوبی بیگاری است . آنها با گرسنگی و درسدی دست یگریان هستند و اما کارگران ما در کارخانجات بزرگ و کوچک در معادن و در کارگاههای مطرب قالیبانی ، در جاده سازیها

## دانشجویان و دانش آموزان

جغد شوم استبداد هر دم جنگالهایش را بیشتر در تن مردم ما فرو میرد . دیکتاتور خون می ریزد . اربابان انگلیسی و امریکائیش بر ما زندانیان بزرگ ۲۵ میلیونی به تحقیر لیختند می زنند . اگر ضحاک مار دوش از مغز جوانان تغذیه میکند و پدان زنده بود ، ضحاک خون آشام عصر امپریالیسم جهانی بدست مزدوران و مباحران خویش گشت و استخوان و تمام هستی ما خلقهای ستم دیده را میدزسد و بدین زنده است . مرگ او نیز در گسترش انقلاب مسلحانه آزادی بخش خلقهای ستم دیده جهان خواهد بود . انقلابی که اینک امواج کوه بیکران آن از هر سو بالا می آید و لیزه مرگ براندام اربابان جهانی و مباحران میکند . آیا خون ما از خون جوانان دلیر و پتنام و لائوس و لمپنین رنگین تر است ؟ آیا ما میتوانیم در برابر خونبائی که در پانزده خرداد ۴۳ جاری گشت ، در کردستان لرستان و آذربایجان جاری است ، بی تفاوت باشیم ؟ آیا ما میتوانیم در برابر خون پانزده چریک قهرمان سیاهکل و شکجه قرون وسطائی هزاران کارگر ، دهقان ، روحانی ، دانش آموز و دانشجوی زندانی بی تفاوت باشیم ؟ پلیس هر روز وحشی تر و خونخوار تر میشود . هر روز چهره کزیه خویش را بعنوان جلاذ خلق آشکارتر میسازد . در برابر قهر و خشونت ضد انقلابی تنها قهر و خشونت انقلابی بگام می آید . خلق ما اینک در دران رفوت و دوران سرکوفتی و اطاعت مظلوم وار را پشت سر میگذارد . ما دیگر در برابر یاس و بد بینی و احساس حقارت ملی و کلیه آلودگیهای فرهنگ کثیف امپریالیستی بی دفاع نیستیم . اکنون در وجود نام پانزده چریک سیاهکل ، پانزده قهرمان شهید و غرور ملی و شخصیت نوین ما جلوه گر است . در برتو این احساس شگوفان و نوین ، جادوی چند دهساله امپریالیسم و میساشران ایرانیش بی اثر میشود . اکنون ما مردم ستم دیده احساس میکنیم که بیش از هر زمان دیگر از شاه و پانده جنایتکارش متنفریم و قلبهای ما بهم نزد یکتر گشته ، احساس میکنیم که دیگر بشیوه سابق نمی توانیم برده وار سر یابین بیاندازیم و چند روز مزی را که مثل سنگ جلویمان حیرت کرده اند براریم و دعا هم بکنیم . نمیتوانیم هرگونه باج و خراجی را که تحمیل میکنند بپذیریم . نمی توانیم سرنوشته تلخی را که بر اربابان تعیین کرده اند گردن نهمیم . نمی توانیم فشار و تحمیل و زور را تحمل کنیم . ما از خواب طولانی خویش بیدار گشته ایم . آزوری بهرنگی قبیح به حقیقت بدل میشود . ما اینک دست به مسلسل می بریم .

اختیار بر دانشجویان و دانش آموزان روزشده تهران که چشمه یمن بارشوز شاه را بر خاک مالیدند . درود بر زندانیان سیاسی که شکجه وحشیانه سازمان امنیت را تحمل میکنند و سر خم نمی کنند . زنده باد مبارزه مسلحانه که تبارها رسیدن به آزادی است .

کمیته دانشگاه

## برقرار و شکوفان باد جنبش چریکی در سرتاسر کشور

بقیه همه با هم در مبارزه ....  
متفرغ و بختناش کند . در واقع مانند جلاذ او را گاهکار و مستوجب مجازات و اعدام میداند . و چنین است نقش مشترک کمیته مرکزی و رژیم محض رضا شاه در دشمنی با خلق و انقلاب .

کمیته مرکزی که زمانی شاه را جغد شوم و خون آشام می نامید و بدون برچیدن بمساط سلطنت او آزادی و آبادی برای خلق صهیون ما را ممکن نمیدانست ، چطور شد که کارش به سلطنت ظلمی و سازش با شاه کشیده شد ؟

همای بهبود فاسدات بین شاه و شوروی ، تز سوسیالیسم سلطنتی برای نخستین بار از جانب شاهزاده امیر اسکندری دبیر کمیته مرکزی در پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب توده مطرح شد . در این پلنوم شاهزاده با در یک گفتن کرد که سلطنت بهیچوجه با سوسیالیسم مغایرت ندارد و حزب باید سیاستهای خود را در چارچوب امکانات موجود تنظیم کند . در آرزوی بخت نبودن شرایط لایحله وجود اختلافات دیگر در حزب و جنبش جهانی کارگری ، تحسائل و بدبست این ترسک نبود و نمی توانست در اسناد و سیاستهای رسمی حزب انعکاس یابد . ولی از آن تاریخ بهمد نظر یات ضد سلطنتی کمیته مرکزی حزب توده کم کم رنگ بریده شد و رو به نقصان گذاشت . از آنجا که شرایط مادی لازم چه از لحاظ سیاست و خواست شوروی و چه از نقطه نظر اوضاع داخلی حزب توده ، برای پیاده کردن این ترسک دید غرضی موجود بود ، شاهزاده با فرستادن گزارش خوابانده بود تا اینکه در سال گذشته فرصت را مغفتم شورد و با سوء استفاده از شرایط مناسب آخرین ضربه را به مخالفین این ترس در ایران ، کمیته های حزب توده ، سر وارد آورده و با سرنگون ساختن دبیر کل بی و خاصیت سابق حزب ، قضیه را یکسره کرد . و خود بر تخت " سلطنت " کمیته مرکزی تکیه زد . حال در مقابل خلق ایران دو مرکز طرفه از سلطنت و " سوسیالیسم " قد برافراشته در یکطرف شاهزاده قاجار بر تخت کمیته مرکزی حزب توده نشستند و در طرف دیگر محمد رضا شاه پهلوی و هر دو هم معتقدند که سلطنت بهیچوجه با سوسیالیسم مغایرت ندارد . چنانچه دست قضا و قدر روزگار و اختلافات منق بین دو دودمان سلطنتی مانع نشود ، بیوزی کار دشمنی تاریخی میان دو خاندان به آشتی منی انجامد و آنوقت بیا و به بین که چه ؟ ایرانستان مونارکوسو سوسیالیستی " که به هست آنها ساخته نمیشود .

ولاید بهبود نیست که کمیته مرکزی حزب توده این چنین با نفرت راه قهر آمیز انقلاب را محکوم میکند و مبارزین واقعی خلق را که در این راه جان خود را ایثار میکنند ، ماجراجو میخواند . آنها تکیه خرفار از انقلاب اجتماعی را برگزیده اند و بیوزی در جمیع گرد آنتدگان نظام موجود ادغام میشوند . هرگز قادر به درک اینس نیست که تاریخی نیستند که بسوی ایثار کسان میروند که معنای زندگی ، سست و وظیفه آنها درک کرده اند و بالاتر از آنتد که بخاطر ماندن چند سالی بیشتر بر روی زمین جبهه سائی کنند . دروغ بگویند ، برده شوند ، تن به ردالت و خیانت دهند ، سالوسی و تزویر را بر خود هموار کنند . و از بهروری و بیوزی انسانی در نبردی بی امان ، بی تسلیم ، بی سستی ، بی گسست ، بیگانه ، پرشور ، آگاهانه برضد طبیعت و جامعه ، برضد محیط ناهموار است و این نبرد است که چندان بروشنی جواغ بهروری می افزایشد تا آترا زمانی خورشید جهان فروز خواهد ساخت .

بقیه رویدادها  
بروند ، کوچکترین اطلاعی در دست نیست . طبق اخبار اصله و شویزه شمس الملوك اختری ، دانشجوی سال دوم حقوق سیاسی ، نصیری دانشجوی سال چهارم مکانیک و جلیلیان دانشجوی سال سوم دوره شبانه قضائی و باقی دانشجوی سال اول فیزیک از جمله قربانیان اخیر رژیم شاه هستند که در اثر هجوم وحشیانه کماندها در صحنه دانشگاهها بدست مامورین سازمان امنیت قتل رسیده اند .

# اعلامیه

# اسناد

## هر جا ظلم هست مقاومت هم هست

## اعلامیه

هرجا ظلم هست مقاومت و مبارزه هم هست . اما در کشوری که ستم دیدگان حق ندارند بگیرند بما ستم روا میشود ، در کشوری که کارگر اعتراض کننده را توی کارخانه به شلاق میندند . در سازمان امنیت دستش را قطع میکنند ، در کشوری که روحانی آزاده ای چون آیت اله سمیه را زیر شکنجه به قتل میرسانند در تحت حکومتی که قانون اساسی را به سخره میگیرد و خودش برای خودش قانون مینویسد . جواب مردم اعتراض کننده را با شلاق و ساپتور و گلوله میدهد آیا میتوان از راه همین قانونهای شاهنشاهی و محمد رضا شاهی مبارزه کرد ؟ خیر نمیتوان . این را تجربه مردم جهان از الجزایرتا ویتنام از لاکوس تا فلسطین بما میآموزد ، این را مبارزات خلق ما از هزار سال پیش ، از روزگار کاوه آهنگر تا کونن بما میآموزد . ما فرزندان انبوه زحمتکشان هستیم که در طول صد ها سال با افشاندن خونشان بما یاد داده اند که چگونه میتوان به آزادی و زندگی شرافتمندانه دست یافت . ما چریکهای فدائیس خلق این تجربه مردم خود و خلقهای سراسر جهان را اینک بکار می بندیم . در کردستان دهات بدستور شاه بمباران میشود و دهقانان محروم دسته جمعی شکنجه میشوند و بقتل میرسند . مهندس جنبش چریکی هر روز با حمایت وسیعتری از جانب دهقانان روبرو میشود و اوج میگیرد . چندی پیش هلیکوپتر فرماندهان واند ارمری کردستان و سندهج بدست چریکها سرتنگ شد و هر دو تن کشته شدند . در لرستان مبارزه چریکی شروع شده است . در خوزستان طی ماههای اخیر چریکها لوله گاز را منفجر و به انبوس حامل اسفنان نیروی هوایی در اندیشک و اتومبیل حامل فرمانده مرزی موسیان بیرون برده آنان را کشتند و مجروح نمودند . در تبریز چریکها به یک پاسگاه کلانتری حمله نمودند و یک تپه مسلسل به غنیمت گرفته و یکی از دو پاسهانی را کشته مقاومت کرده بودند کشته و دیگری را مجروح ساختند . در سال گذشته پیش از چهل بانک در سراسر کشور خصوصا در تهران توسط چریکها مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و از این راه میلیونها تومان پولی که از مردم ما دزدیده شده صادره شد و مورد استفاده مبارزه انقلابی قرار گرفت . و همچنین مبارزه قهرمانانه شورشیان دلیر روستایی چون حمله در خوزستان و غرب آذربایجان نابودی صد هاتن از نیروهای دشمن را سبب شد و روحیه نوبنی به مردم رنجبر و ستم دیده به بخشید . بیورش قهرمانانه چریکهای از جان گذشته به پاسگاه سیاهکل در گیلان بار دیگر بروشنی تمام نشان میدهد که مبارزه مسلحانه تنها راه آزادی مردم ایران است . ما چریکهای فدائی خلق با حمله به پاسگاه کلانتری قلمک و اندام فرسوی جنایتکار نشان دادیم که راه قهرمانان سیاهکل را ادامه خواهیم داد .

## انقلابیون از بختیار

## این وردست سابق شاه متنفرند

تیسار سپهبد بختیار جلا د مشهور ، اولین رئیس سازمان امنیت ایران و نزدیک ترین وردست رهبر باند راهزنان حاکم بر ایران پس از آنکه بین او و رهبر باند اختلاف افتاد از ایران خارج شد و در خارج از کشور تلاشهایی را آغاز کرد تا شاید بتواند جای رهبر باند را بگیرد و یا او را دوباره مجبور به سازش نماید . لیکن در دو سال پیش تیسار هوسهای دیگر بر سرش زد . او مشاهده می کرد که در ایران جنبش انقلابی در حال شکفتن است ، بی آنکه سازمان پیشرو و تثبیت شده ای در کار باشد . او تصمیم گرفت که یک سازمان انقلابی قلابی بسازد و آنرا وسیله ای در راه رسیدن به هدفهای خود قرار دهد . البته او میدانست که مردم بین او و سایر تیسارها فرقی قائل نمیشدند و ماهیت کثیفش را می شناسند . لذا دست به دامان گروهی از متجعین ( از جمله همکاران سابق و ناراضی خود در سازمان امنیت ) و عده ای از عناصر فرصت طلب و ساده لوح شد ، باین ترتیب باصطلاح " جنبش آزادی بخش ملت ایران " را سرهم بندی کرد . این تشکیلات قلابی اگر هیچ خاصیتی هم نداشته و این خاصیت را داشته که از آن پس شاه با بی شرمی و حماقت تمام کوشید تا هر بانک اعتراض و حرکت انقلابی مردم ایران را " توطئه بختیار " قلمداد کند و مبارزان انقلابی را عوامل بختیار بنامد . غافل از اینکه مردم از سالها پیش اعتماد خود را نسبت به هرگونه به ظاهر انقلابی هائی که در خارج از کشور به حرف زدن در باره انقلاب مشغولند و حرف میزنند بدون آنکه عمل کنند از دست داده است تا چه رسد به سازمانی که تیسار بختیار وردست سابق و شماره یک شاه جلا د آنرا تشکیل داده باشد . اما متخوره تر از همه اینست که با آنکه خود تیسار کشته شده و بنسایاداعی حکومت شاه تشکیلات تیسار از هم پاشیده شده است بساز حکومت از این وسیله تبلیغاتی دست بر نمی دارد و این بار شخصی بنام پناهیان را به جای او دست آویز قرار داده اند تا بتوانند چریکهای انقلابی را عوامل او قلمداد کنند .

بهرقرار و شکوفان باد جنبش چریکی در سراسر کشور  
سلام به کارگران ، دهقانان ، روحانیون و روشنفکران انقلابی که در زندانهای  
شاه اسیرند .

# کی عامل بیگانه است چریکها یا شاه ؟

## اعلامیه

آزادی خلق و ایمان به آینده بزرگ آنان را به حرکت در آورد . آنان میجهد بپی هستند که مرگ را با آفتون بازی پذیرند ، زیرا ایمان دارند که راه آنان ادامه خواهد یافت و با افتادن یک فدائی چندین فدائی تازه جای او را خواهند گرفت . به همین خاطر است که شاه ، سرکرده این راهزنان جنایتکار ، این اندازه از چریکها وحشت دارد و با شنیدن نام آنها چون مار زخم خورده به خود می پیچد . چریکها شجاع ترین و آگاه ترین فرزندان خلق هستند که همچون کاوه آهنگر با ضاک ستگر عصر پنجمه افکنده اند . آنها با دست خالی شروع میکنند ، به کمک طایفه ای که تصرف کرده و یا خریدند ، اند ، بانکی را مصادره میکنند تا احتیاجات مالی مبارزه انقلابی را برآورده سازند ، به کلانتریها حمله میکنند تا مسلط اسرائیلی را تصرف کنند و با آن علیه دشمنان خلق و دوستان آمریکا و اسرائیل بجنگند . آنها هرچه لازم داشته باشند از خود دشمن بزرور خواهند گرفت . پس این حرف که چریکها از فلان دولت خارجی یا اشخاصی همچون پناهیان پول یا اسلحه گرفته اند کلا سخره است . ما جز مردم محروم و ستم کشیده خویش تکیه گاه نمی داریم . سرک بر شاه جنایتکار نوکسر دست بسته آمریکا و انگلیس زنده بساد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است .

تلیغاتی چری های شاه مزدور با کمال حماقت میکوشند چریکهای از جان گذشته انقلابی را عامل بیگانه قلمداد کنند . این خصلیت ستگران در سراسر تاریخ بوده است که انقلابیون را عوامل بیگانه نگان بنامند . زیرا حیووت اعتراض نمیکند که پایه های حکومتشان بر شان های خون آلود مردم زحمتکش قرار ارد و اینک خفس و کینه مردم این پایه ها را بلرزند درآورده است . اما در اینجا حکومتی ما را بیگانه نمی نامد که چندین هزار مستشار آمریکائی بر قشون مسلط هستند و امر و نهسی میکنند و تابع دادگاههای ایرانی هم نیستند . پاسهانی پیش به مسلط اسرائیلی مسلحند و فرودگاههایش به اشاره استعمارگران در اختیار خلبانان اسرائیلی آماده قرار داده شده است تا سوخت گیری و تمرین کنند و برای بمباران خلق فلسطین آماده شوند . حکومتی که ثروتهای بیکران مردم محروم ما را همچون نفت ، اورانیوم ، سرب و مس آشکارا و پنهانی می دزدد و به اربابان خارجیش تقسیم میکند . اما شاه که خود سرکرده این باند راهزنان است ، فقط پیش از آنکه مقاومت و مبارزه خلق را در دریای خون خفه نموده توانسته است ما مردم ایران کشور را بر زنجیر بکشد و دچار خفقان سازد . اما چریکها چه کمائی هستند ؟ آنها جوانان از جان گذشته ای هستند که عشق بی

مرگ بر شاه جنایت پیشه که به دستور او بختیار هزاران تن از مبارزان میهن ما را سلاخی کرد . " ادامه دهندگان جنبش سیاهکل " ماجریکهای فدائی خلق به حکومت شاه اکید ا هشتاد میدمید که اگر خشونت سازمان امنیت و پلیس همچنان ادامه یابد ، اگر با زندانیان سیاسی همچنان وحشیانه رفتار شود ، اگر پیگرد پلیس همچنان دنبال شود و اگر پلیس مزاحم مردم گردد ، از این پس جان هیچ آمریکائی و انگلیسی که در ایران مأموریت سیاسی و نظامی اقتصادی و بظاهر فرهنگی دارند در امان نخواهد بود . حکومت شاه باید بهتر بداند که دولت رانکر آمریکا به تنهایی شش هزار مستشار نظامی در ایران دارد و حفظ جان این ها غیر ممکن است . ما با اندام فرسوی خون آشام نشان دادیم که قادریم این کار را بکنیم و بدون شک اگر شاه مجبورمان کند خواهیم کرد . افتخار بر مردمی که سنت عدم همکاری با پلیس را حفظ میکنند و اعتلا می بخشند .

# ننگ و نفرت بردار و دسته شاه

# که دسته دسته از مردم ما را سلاخی می کند